

نقش دولت‌ها در بحران‌های زیست‌محیطی؛ چارچوب‌های حقوقی و مسئولیت‌های عمومی

حسین خورشیدی^۱

چکیده

بحران‌های زیست‌محیطی یکی از چالش‌های اساسی بشر است که پیامدهای مهمی مانند خشک‌سالی، تغییرات اقلیمی، جنگل‌زدایی و گرم شدن دمای کره زمین را به دنبال داشته است. همین امر بحث مقابله با آلودگی‌های زیست‌محیطی را از نظر حقوقی ضروری ساخته است. بر همین اساس هدف مقاله حاضر بررسی این سوال مهم است که دولت‌ها در ایجاد بحران‌های زیست‌محیطی چه نقشی داشته و چارچوب‌های حقوقی و مسئولیت‌های عمومی تعهدات و مسئولیت دولت‌ها برای رفع این بحران‌ها کدام است؟ این مقاله توصیفی تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که دولت‌ها به دلیل توجه بیش از حد به توسعه صنعتی و عدم توجه کافی به توسعه پایدار، یکی از عوامل اصلی بحران‌های زیست‌محیطی از طریق ایجاد گازهای گلخانه‌ای، آلوده کردن منابع آبی و آلودگی‌های دریایی و جنگل‌زدایی از طریق ساخت‌وساز و راه‌سازی هستند. اصل پیشگیری با تمرکز بر توسعه پایدار، اصل احتیاط و پیش‌بینی اقدامات خود بر محیط زیست، اصل اطلاع‌رسانی به دولت‌های دیگر در خصوص آلودگی‌های زیست‌محیطی و همچنین آگاهی‌رسانی به شهروندان، اصل مسئولیت و پرداخت غرامت و اصل همکاری‌های بین‌المللی از مهمترین چارچوب‌های حقوقی و مسئولیت‌های عمومی حاکم بر دولت‌ها برای رفع بحران‌های زیست‌محیطی است که در اسناد مختلف بین‌المللی مورد تاکید قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: دولت‌ها، بحران‌های زیست‌محیطی، اصل پیشگیری، اصل احتیاط، اصل همکاری بین‌المللی

مقدمه

در دنیای امروز، محیط زیست و حفظ آن، یکی از مسائل مهم و اساسی محسوب می‌شود به گونه‌ای که حق بر محیط زیست سالم به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر در نسل سوم مطرح گردید حقوق نسل سوم بشر، حقوقی هستند جمع محور و دولت از جمله طرفینی هستند که متعهد به تضمین و حمایت از آن هستند.

دولت‌ها در این میان، نقش مهمی در حفظ و حمایت از محیط زیست دارند اما در برخی موارد، ممکن است دولت‌ها خود نقش تخریبی ایفاء کنند و حق محیط زیست را زیر سوال ببرند.

بحران‌های زیست‌محیطی با سرعت و شدت تمام در حال گسترش هستند و به‌عنوان بزرگ‌ترین چالش قرن، زندگی انسان بر روی کره خاکی را مورد تهدید قرار داده‌اند. نگاهی گذرا به وضعیت محیط زیست جهان مبین این واقعیت است که در چند دهه اخیر در نتیجه فعالیت‌های بشر، کره زمین متحمل صدمات جبران‌ناپذیری شده است. با بسط و گسترش معضلات محیط‌زیستی ناشی از فعالیت‌های بشر مشخص شده است که فعالیت‌های اقتصادی بدون توجه به محدودیت‌های محیط‌زیست نمی‌توانند ادامه پیدا کنند.

جهان امروز با مصائب و چالش‌های جدی بی‌سابقه در خصوص محیط‌زیست مواجه است. نابودی محیط‌زیست زمین به طور فزاینده‌ای منابع طبیعی و فرآیندهای حیاتی بر سطح کره زمین را تهدید می‌کند. انتشار گازهای گلخانه‌ای منجر به گرم شدن کره زمین و ذوب شدن یخ‌ها و تغییرات آب و هوایی می‌گردد. این تغییرات آب و هوایی و ذوب شدن یخ‌ها، سطح آب‌های آزاد را افزایش داده و زیرساخت‌های ساحلی و حتی مناطق مسکونی را تهدید می‌کند. در مناطق قاره‌ای نیز به لحاظ افت ریزش‌های جوی موجب خشک شدن تالاب‌ها، چشم‌ها و دریاچه‌ها شده و حیات گیاهان و جانوران را تهدید به نابودی می‌کند که در نهایت نظام چرخه حیات مختل شده و حیات خود انسان را نابود می‌سازد.

همین امر چارچوب‌های حقوقی و مسئولیت‌های عمومی در این خصوص را ضروری ساخته است. چراکه اگر اقدامات و تدابیر مؤثر و عاجلی در این زمینه انجام نگیرد ای بسا امکان دارد در آینده‌ای نه چندان دور، حتی بقای خود انسان نیز با مشکل مواجه بشود و نسل‌های آتی از نعمت زیستن بر روی این کره محروم بشوند این تدابیر بایستی در راستای تغییر الگوی مصرف و مدیریت منابع محدود و پسماندها باشد؛ بنابراین جهان امروز به ایجاد تعادل در سیستم‌های حیاتی نیاز فوری و مبرم دارد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نظام اقتصادی کشور را به صراحت، نظامی مبتنی بر برنامه‌ریزی عمومی، منظم و صحیح ترسیم کرده است. در قانون اساسی مشروطیت و متمم آن، جایگاهی برای محیط زیست دیده نشده است اما در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۴ اصل از اصول قانون اساسی به موضوع چگونگی استفاده از منابع طبیعی و ثروت‌های طبیعی، رعایت عدالت و استفاده بین نسلی محیط زیست تأکید شده که شرح دقیق آنها در اصول ۴۵، ۴۸، ۱۵۳ و ۵۰ آمده است.^۱

در خصوص موضوع مقاله پیش رو، تاکنون تحقیقات و مطالعاتی از سوی سایر پژوهشگران صورت گرفته است که به بررسی آن می‌پردازیم.

علی وفادار در مقاله خود با عنوان «تعهد و مسئولیت دولت‌ها در رعایت محیط زیست»، از جنبه حقوق بین‌الملل به موضوع پرداخته و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها را از حیث تخریب محیط زیست مورد بررسی قرار داده و نتیجه گرفته که فعالیت دولتی که منجر به خسارت محیط زیستی فرامرزی یا خطر ایجاد چنین خسارتی شود، سبب طرح مسئولیت بین‌المللی دولت خواهد شد.

حمید بهرامی احمدی و اعظم علم‌خانی در مقاله خود با عنوان «مبانی مسئولیت دولت در قبال آلودگی‌های زیست‌محیطی»، نتیجه گرفته‌اند که در بسیاری موارد، دولت مسئول جبران خسارات زیست‌محیطی است و از میان نظریات مختلف در مورد مبانی مسئول انگاشتن دولت، نظریه مختلط یا بینابینی را انتخاب نموده‌اند.

علی مشهدی در مقاله خود با عنوان «دولت و محیط زیست: از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی» نتیجه گرفته است که حمایت از محیط زیست منوط به دست شستن از سیاست‌های منفعت‌طلبانه، یکسوانگارانه، مبتنی بر فرمان و کنترل و غیرمشارکتی است. این رویکرد، نیازمند اجرایی شدن در حقوق ملی و بین‌المللی محیط زیست است. بر این اساس در حقوق داخلی، اجرایی شدن حفاظت از محیط زیست در چارچوب وظیفه عمومی حفاظت مذکور در اصل پنجاه قانون اساسی و اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی آن نیازمند توجه به رویکردهای همکاری‌گرایانه میان شهروندان و دولت است.

۱. جهانگرد، اسفندیار، محیط زیست و برنامه‌های توسعه در ایران، دوفصلنامه اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۹۷، ص ۱۱۷

علی مشهدی و فاطمه زابولی زواره در مقاله خود در با عنوان «امکان‌سنجی تشکیل وزارت محیط زیست در نظام حقوقی ایران»، نتیجه گرفته‌اند که ارزیابی‌ها نشان می‌دهند که ساختار مدیریتی امور زیست‌محیطی در کشور، هم به لحاظ درونی و هم ارتباطات بین‌سازمانی و دامنه‌مأموریت‌ها چندان پاسخگوی نیازهای کنونی و نیز تحقق اهداف توسعه‌کشور نبوده و ایجاد نهادی با عنوان «محیط بان اداری» ذیل مدیریت وزارتخانه محیط زیست است که هدف آن اعمال نظارت، قبل و حین اجرای مأموریت‌های نهادها و تأمین هماهنگی لازم در اجرای مقررات زیست‌محیطی در وزارتخانه‌ها و موسسات و شرکت‌های دولتی است.

بر اساس آنچه گفته شد پرسش اصلی این پژوهش این است که دولت‌ها در بحران‌های زیست‌محیطی چه نقشی داشته و چارچوب‌های حقوقی و مسئولیت‌های عمومی دولت‌ها در این خصوص کدام است؟ به منظور بررسی سوال مورد اشاره ابتدا، نقش دولت‌ها در بحران‌های زیست‌محیطی بررسی و در ادامه از چارچوب‌های حقوقی و مسئولیت‌های عمومی دولت‌ها در مواجهه با این بحران‌ها بحث شده است. روش تحقیق در این پژوهش، از نوع توصیفی-تحلیلی است و در گردآوری منابع از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

گفتار نخست. نقش دولت‌ها در بحران‌های زیست‌محیطی

اگرچه صنعت و تکنولوژی، عامل رشد اقتصادی کشورها هستند ولی آلودگی‌های زیست‌محیطی نیز ره آورد آنهاست. یعنی اگر به همان اندازه که پیشرفت و تولید خوشایند به نظر می‌آید تبعات منفی هم دارد و از اثر تولید بی‌رویه مواد آلوده‌کننده ذیل بوجود می‌آید که عبارتند از مونواکسیدکربن، اکسیدهای گوگرد، اکسیدهای ازت، اکسیدکننده‌های فتوشیمیایی، هیدروکربورها، ذرات معلق در هوا و مواد رادیواکتیو.^۱

کمبود شدید مواد غذایی، از بین رفتن سفرهای زیرزمینی و کمبود آب، موجب گسترش فقر، بیماری و مهاجرت توده‌ای شده است. هرکدام از این مولفه‌ها نیز به‌تنهایی می‌تواند به یک بحران امنیت ملی تبدیل شده و به چالشی اساسی در درون کشور یا در ارتباط با روابط کشور با همسایگان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شود. برخی از کارشناسان جنگ‌های آینده را بر سر مسائل زیست‌محیطی

۱. نظری، عارف (۱۳۹۷). «آلودگی محیط زیست و عوامل آن»، تهران: پایگاه خبری هندوکش.

مثل کمبود منابع آب می‌دانند. برخی کارشناسان نیز بر این باورند طی دهه‌های آینده برخی از مناطق خاورمیانه به دلیل تغییرات آب و هوایی غیرقابل سکونت خواهد بود. براین اساس، اتخاذ خط‌مشی‌های درست و منطقی در عرصه زیست‌محیطی ضرورت آینده‌پژوهی در این عرصه را برای همه دولت‌ها دوچندان کرده است.^۱

بند اول. تغییرات اقلیمی

یکی از مهمترین بحران‌های زیست‌محیطی، تغییرات اقلیمی و گازهای گلخانه‌ای است. بر پایه اجماع علمی درباره تغییر اقلیم، افزایش فعلی میانگین دمای جهانی عمدتاً توسط انسان و به دلیل استفاده از سوخت‌های فسیلی از زمان انقلاب صنعتی پدید آمده است. استفاده از سوخت‌های فسیلی، جنگل‌زدایی و برخی فعالیت‌های کشاورزی و صنعتی باعث افزایش گازهای گلخانه‌ای شده است. این گازها با ایجاد اثر گلخانه‌ای و جذب تابش گرمایی زمین از نور خورشید، باعث گرم شدن تروپوسفر شده‌اند. مقدار کربن دی‌اکسید که مهم‌ترین گاز گلخانه‌ای و عامل اصلی گرمایش جهانی است، در اتمسفر زمین حدود ۵۰٪ افزایش یافته و به سطحی رسیده که برای میلیون‌ها سال دیده نشده است. جنگل‌زدایی دومین عامل گرمایش جهانی است. نقشه‌های ماهواره‌ای نتیجه فرایند سریع تخریب گسترده جنگل‌های آمازون (نمایش روی نقشه) در روندونیا بیشتر برای ایجاد دام‌پروری و چراگاه را نشان می‌دهند. آمار سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد که در هر دقیقه مساحتی معادل یک زمین فوتبال از آمازون برای این هدف نابود می‌شود. این وضعیت شامل مناطق جنگلی شمال ایران که در این کشور خشک کمیاب بلکه نایاب هستند از جمله جنگل‌های هیرکانی نیز می‌شود. فرایند تخریب گسترده جنگل در کانادا نیز برای استخراج ماسه‌های نفتی صورت می‌گیرد که در کنار آلودگی‌های محیطی مانند سمی شدن آب آشامیدنی مناطق مسکونی و نابودی حیات وحش، خود فرایند استخراج سوخت قابل مصرف از ماسه‌های نفتی نیازمند سوزاندن حجمی معادل یک سوم گاز طبیعی تولیدی این کشور است که به تولید ۱۷ درصد دی‌اکسید کربن بیشتر نسبت به نفت خام تصفیه شده در ایالات متحده ختم می‌شود.

۱. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و همکاران، بحران‌های زیست‌محیطی جهانی تا ۲۰۳۰ و سناریوهای پیش روی ایران،

پژوهشنامه روابط جهانی، دوره ۱، شماره ۳، ۱۴۰۳، ص ۸

«دود و آلاینده‌هایی که به صورت گاز و بخارات سمی از دودکش‌های عظیم کارخانه‌ها بیرون می‌آید، علاوه بر آلودگی‌های هوای شهرها و ایجاد مشکلات تنفسی برای انسان‌ها باعث تشکیل باران اسیدی می‌شود. بیشترین آلودگی‌ها در منابع خاک در اطراف پالایشگاه‌هاست»^۱

هرساله به طرق گوناگون محیط زیست تخریب شده و دچار آلودگی می‌گردد آب‌های دریاها و اقیانوس‌های پنج قاره با فاضلاب‌های صنعتی و کشاورزی مواد شوینده و شیمیایی و ضایعات صنعتی کارخانجات آکنده شده‌اند. هیچ آلاینده‌ای به اندازه دود ناشی از اتومبیل و فاضلاب صنعتی کارخانجات آلوده‌کننده محیط زیست نیست.^۲

با توجه به تغییرات آب‌وهوایی جهان در چند دهه اخیر از جمله، ذوب شدن یخ‌های قطبی و زیر آب رفتن برخی از شهرها و روستاها از پیامدهای منفی آلودگی است که دلیل آن افزایش گازهای گلخانه‌ای است. پیشرفت تکنولوژی و عدم استفاده صحیح از آن، افزایش سموم شیمیایی و انجام آزمایشات هسته‌ای و میکروبی و شیمیایی توسط برخی از کشورهای صنعتی و به کار بستن آنها در جنگ‌های داخلی و بین‌المللی افزایش شدید جمعیت و ... روند آلودگی را سرعت داده‌اند.^۳

بند دوم. تولید انرژی هسته‌ای

«در فرآیند تولید انرژی هسته‌ای مقدار زیادی زباله رادیواکتیوی بوجود می‌آید غالباً ایزوتوپ‌های رادیواکتیو از گازهای نجیب کریپتون هستند تریتیوم که ایزوتوپی از هیدروژن است نیز به صورت گاز عمدتاً به صورت بخار آب تخلیه می‌شود. تریتیوم به صورت بخش هیدروژنی مولکول آب در زنجیره‌های زیست‌شناختی مواد غذایی وارد می‌شود. ایزوتوپ‌های رادیواکتیو در زباله‌های مایع، معمولاً از طریق بارندگی به صورت جامد درمی‌آید و انبار می‌شود اگر این زباله‌ها در زمین در گودال‌های بدون آستر، بدون آنکه در محفظه‌های خاص باشند دفن شوند در طی چند قرن بعد آب‌های زیرزمینی این مواد رادیواکتیو را پراکنده خواهند کرد»^۴

۱. کوروکولاسوریا، لال (۱۳۹۰). مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست، ترجمه سید محمد مهدی حسینی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان، ص ۳۵

2. Ferrey, Steven (2001). Environmental Law, 1th ed, New York: Publisher Aspon Law & Business, p 217

۳. مولایی خواجه، سعید؛ قلی پور اقدام، حسن (۱۳۹۱). «حقوق محیط زیست»، اولین همایش ملی و حفاظت و برنامه ریزی محیط زیست، همدان، ص ۸

4. Anthony Chapman, Neil; Hooper. Alan (2012), «The disposal of radioactive wastes underground (Proceedings of

«علاوه بر زباله‌های تولیدشده در بخش هسته‌ای می‌توان به مواد زائد جامد تولیدشده در صنایع تحقیق و توسعه در دانشگاه‌ها آزمایشگاه‌های ملی و بیمارستان‌ها جایی که مواد رادیواکتیو برا تشخیص و درمان‌های متعدد استفاده می‌شود اشاره کرد. «معدن اورانیوم صنعت برق هسته‌ای و برخی از تجهیزات پزشکی و نظامی فعالیت‌های گسترده‌ای از طیف تولید رادیونوکلوئیدی هستند. عملیات عادی از تأسیسات هسته‌ای و همچنین حوادث هسته‌ای یک تهدید جدی برای آب زیرزمینی می‌باشند استخراج اورانیوم، تصفیه غنی سازی، بازفرآوری و همچنین دفع زباله‌های رادیواکتیو آن دسته از فعالیت‌هایی هستند که خطر بالقوه‌های برای کیفیت آب‌های زیرزمینی می‌باشند»^۱

«زباله‌های جامد شهری و صنعتی دفن شده در زمین خود حاوی درصد بالایی آب هستند چنانچه آب‌های سطحی نیز به درون آن نفوذ یابد در اثر فعل و انفعالات شیمیایی و بیولوژیکی که در درون لندفیل رخ می‌دهد شیرابه آلوده‌های تولید می‌گردد که حاوی انواع عناصر سمی می‌باشد طبیعت و قدرت آلودگی این شیرابه به ترکیب مواد زائد جامد، مدت زمان تماس زائدات با آب و حجم آن بستگی دارد نفوذ این شیرابه آلوده می‌تواند تهدیدی جدی برای آلودگی آب‌های زیرزمینی و خاک مناطق اطراف لندفیل به شمار آید شیرابه زباله حاوی ترکیبات و آلاینده‌های گوناگون از جمله فلزات سنگین می‌باشد. بعضی از ترکیبات سمی همانند، آرسنیک سیانید و کروم موجود در این زباله‌ها ممکن است در آب‌های زیرزمینی در غلظت‌هایی یافت شوند که این آب‌ها را جهت مصارف آشامیدن و آبیاری نامطلوب کنند»^۲

رادیواکتیو مواد (پرتوزا) ناشی از آزمایش‌های جنگ‌افزارهای هسته‌ای دود و گازهای ناشی از سوخت هواپیماها و موشک‌ها، ازدیاد کربن دی اکسید از سوخته‌های فسیلی و قطع بی‌رویه درختان جنگلی سمپاشی‌های هوایی مزارع و آلودگی خاک‌ها، نیروگاه‌های هسته‌ای که بر اثر اختلال باعث تولید رادیواکتیو (موادپرتوزا) می‌شوند.^۳ نیروگاه‌های حرارتی و سیستم‌های سردکننده و تهویه شهرها که آلودگی‌های حرارتی و شیمیایی تولید می‌کنند.

the Geologists Association)», Journal of Geologists Association, Vol. 123. No. 1. p: 36-48.

1. Vrba, Jaroslav ; Adams, Brian (2008). **groundwater early warning monitoring strategy**, 2th ed, Paris: Published the United Nations Educational- Scientific and Cultural Organization, p 48

۲. رضایی، رضا؛ ملکی، افشین؛ صفری، مهدی؛ قوامی، عبدالله (۱۳۸۹). «ارزیابی آلودگی شیمیایی منابع آب زیرزمینی مناطق پایین دست محل دفن زباله شهر سنندج»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دوره ۱۵، شماره ۳، صص ۹۸-۸۹.

۳. موثقی، حسن (۱۳۹۰). دیوان بین‌المللی محیط زیست درکشاگش آرمان و واقعیت، چاپ اول، تبریز: انتشارات فروزش، ص ۱۲

قرن هاست که بد رفتاری با طبیعت به رویه متعارف در نیل به توسعه و درآمد تبدیل گردیده است. هرکجا شهرنشینی متداول شده هوا، خاک و طبیعت با آشفتگی مواجه شده است. حتی اقیانوس‌ها نیز با آن وسعت کم نظیر از دستبرد انسان در امان نمانده‌اند

افزایش آلودگی کانونی مواد زائد کارخانه‌ها و فاضلاب‌ها و آلودگی‌های غیرکانونی (مزارع، معادن، دشت‌ها، سیلاب‌ها و شبکه‌های فاضلاب‌های محلی) از علل اصلی محیط زیست است. دریاچه آری در آمریکا و رودخانه راین در هلند مثال‌هایی از این نوع هستند.^۱

بند سوم. آلودگی‌های دریایی

یکی دیگر از آلودگی‌های زیست‌محیطی که بحران‌های زیست‌محیطی از سوی دولت‌ها دامن می‌زند، آلودگی‌های دریایی است. ضایعات ناشی از منابع موجود در خشکی از طریق خشکی و بوسیله سیستم‌های لوله‌کشی با جریان‌های فاضلاب رودخانه‌ها و غیره به دریا و محیط زیست دریایی وارد می‌شوند. انواع اصلی مواد زایدی که به دریا ریخته می‌شوند شامل مواد رادیواکتیو، مواد بدون مصرف نظامی (مثل سلاح‌ها و مواد منفجره بی‌مصرف) ضایعات تصفیه‌خانه‌ها، فاضلاب و مواد زائد کارخانه‌های صنعتی است، که حاوی انواع آلوده‌کننده‌ها هستند و بسیاری از این مواد شدیداً سمی می‌باشند.^۲

حفاری در بستر دریاها؛ ورود آلاینده‌ها بطور مستقیم در اثر فعالیت‌هایی همچون اکتشاف و استخراج معادن و نفت طی ۵۰ سال اخیر آلودگی نفتی از بزرگترین مشکلات سواحل به شمار می‌رود یکی از عمده نگرانی‌ها در این رابطه ریزش و تخلیه مواد نفتی بر محیط زیست دریایی و خطوط ساحلی است.^۳

عملیات حفاری جهت استخراج و نقل و انتقال مواد نفتی و سوزاندن چاه‌های نفتی، سبب افزایش این آلاینده در محیط زیست دریایی گردیده است. همچنین عملیات تخلیه مواد از کشتی‌ها و

۱. موثقی، حسن؛ احمدپور، مظاهر (۱۳۹۱). «بایسته‌های حقوق محیط زیست»، اولین همایش ملی حفاظت و برنامه ریزی محیط زیست، همدان، ص ۸۵

۲. فیروزی، مهدی (۱۳۸۴). حقوق بر محیط زیست، چاپ اول، تهران؛ انتشارات جهاد دانشگاهی، ص ۱۰

۳. وفادار، علی (۱۳۸۶). «تعهد و مسئولیت دولت‌ها در رعایت محیط زیست»، نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره

۹، شماره ۱، صص ۱۱۰-۱۰۱

تصادف آنها به خصوص نفتکش‌ها از علل عمده آلودگی دریاهاست. تخلیه آب توازن و ضایعات از کشتیها همچنین محصولات کارخانه‌های صنعتی و ضایعات خشکی که از طریق رود خانه‌ها وارد دریا می‌شوند، هریک به نوعی حیات جانداران و موجودات دریایی را به خطر می‌اندازند. در مورد کشتی‌ها می‌توان به تصادف آنها و در نتیجه ضایعاتی که از این راه منتشر می‌شود، به خصوص در نفتکش‌ها و مشکل بزرگتر غرق شدن آنها اشاره کرد.

گفتار دوم. چارچوب‌های حقوقی و مسئولیت‌های عمومی

بدون شک حفاظت از محیط‌زیست یک ضرورت و منفعت جهانی است و مسیری را ترسیم می‌کند که از همکاری در حفاظت از محیط‌زیست به سوی همکاری در سایر زمینه‌های مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی ختم می‌شود.

این حقوق مستلزم تدوین و شناسایی عمومی هستند؛ چراکه اینگونه موضوعات حصری نیستند و به موازات پیشرفت جامعه بین‌المللی بر تنوع محتوای آن این نسل‌ها افزوده خواهد شد.^۱

اهمیت حقوق بشر در سده حاضر بر کسی پوشیده نیست. این درجه از توجه به حقوق مذکور نتیجه و تابعی از منزلت ویژه انسان در اواخر قرن بیستم و قرن حاضر است. منزلتی که انسان را که عضو حقوقی و راستین جامعه انسانی ملی و بین‌المللی است به تابع و عنصر اثرگذار حقوق حاکم بر این جامعه تبدیل نموده است. حقوق بشر که باید حق‌های لازمه وجود و تحرک شخص انسانی در اجتماع را تبیین و حمایت نماید نمی‌توانسته از توجه به چالش‌های فراروی حیات عادی و متعالی بشر چشم‌پرو بندد. از این روست که در دهه ۱۹۷۰ با جدی شدن نگرانی‌های زیست‌محیطی و شدت گرفتن بحران محیط‌زیست، حق بشر برای داشتن محیط‌زیست سالم مورد شناسایی قرار گرفت. همچنان‌که اصل ۶ اعلامیه استکهلم متذکر این نکته شده است: «دفاع از محیط‌زیست و بهبود آن برای نسل‌های حال و آینده هدفی دارای اولویت برای بشریت است».^۲

۱. سیمبر، رضا (۱۳۸۳). «حقوق بشر در چهارچوب محیط‌زیست»، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، دوره ۸۵، شماره‌های ۲۰۲-۲۰۱، صص ۱۱۳-۱۰۲.

۲. موسوی، سید فضل‌الله (۱۳۸۵). سیرتحولات منابع حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ص ۱۲۳.

دولت‌ها متعهد به حفاظت از محیط‌زیست در مخاصمات مسلحانه هستند. به این جهت که هدف از جنگ تضعیف دشمن یا شکست وی است نه تخریب محیط زیست. لازم به یادآوری است که این تعهدات هم اکنون به عنوان مجموعه‌ای از قواعد حقوق بین‌الملل محیط زیست شناخته می‌شوند شورای امنیت در قطعنامه ۵۴۰ مصوب ۱۹۸۳ از دول متخاصم می‌خواهد از ارتکاب هر عملی که صلح و امنیت منطقه و حیات وحش و گیاهان را به خطر اندازد خودداری نمایند.^۱

همچنین دولت‌ها مکلفند تعهدات خود را نسبت به خلع سلاح را به جای آورند.^۲

و با گذر از مرحله مذاکره نسبت به کاهش سلاح‌های هسته‌ای غیرمتعارف در همه سطوح یا هدف غایی نابودی اینگونه سلاح‌ها اقدام نمایند و هر نوع آزمایش هسته‌ای متوقف نمایند.^۳

چراکه گستردگی خسارات انسانی و محیط زیست ویژگی اصلی کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی است. یکی دیگر از تعهدات دولت‌ها پیشگیری از ورود خسارت فرامرزی و تلاش در کاهش آثار خرابی‌های محیط زیستی است؛ بنابراین در مواردی که احتمال خسارت حادث شده درصد بالایی را به خود اختصاص می‌دهد، دولت‌ها باید در اسرع وقت پیامدهای زیست‌محیطی طرح‌های عمرانی را ارزیابی نمایند و هرگونه فعالیت مخرب را که بر سلامتی انسان، گیاه، زمین، هوا، آب و خاک تأثیر می‌گذارد متوقف سازند.

در عین حال دولت‌ها مکلفند با توسعه همکاری‌های بین‌المللی و نگهداری از محیط زیست را عهده دار و متقبل گردند و خود را در این جنبش به حساب آورند و در این راه از کمک‌های تخصصی علمی و عملیاتی سازمان‌های بین‌المللی ذی‌ربط و سازمان‌های غیردولتی بهره‌جسته و از ابزارهای حقوقی بهره‌گیرند.^۴ مهمترین چارچوب‌های حقوقی و مسئولیت‌های عمومی دولت‌ها در رفع بحران‌های زیست‌محیطی عبارتند از:

۱. ممتاز، جمشید (۱۳۷۸). «توسل به سلاح هسته‌ای و حمایت از محیط زیست (آورده دیوان بین‌المللی دادگستری)»، ترجمه محمود صوراسرافیل، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۷، شماره ۲۴، ص ۱۵

2. Barton, J. H (1986). *Encyclopedia of Public International Law*, 1th ed, Oxford: Oxford University Press, p 15

۳. ظریف، محمدجواد؛ ممتاز، جمشید؛ میرزایی ینگجه، سعید (۱۳۷۵). «ممنوعیت تهدید و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای قضیه رأی مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری»، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، سال ۱، شماره ۱، ص ۱۰۱

۴. کک دین، نگوین؛ پاتریک، دیبیه؛ آلن، پله (۱۳۸۴). *حقوق بین‌الملل عمومی*، ترجمه محمدحسن حبیبی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۲۵

بند اول. پیشگیری

حق بر محیط زیست سالم از جمله حقوق بشری محسوب می‌شود و جایگاه دولت‌ها در این زمینه بسیار مهم و تأثیرگذار است. قوه مجریه با سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی در امور کلان حکومتی و ایضاً بخش اجرایی، می‌تواند نقش مهمی را در بحران‌های محیط‌زیست اعم از پیشگیری یا مقابله بازی کند. جلوگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی به مراتب ارزان‌تر، آسان‌تر و کم‌خطرتر از زمانی است که برای آسیب‌ها چاره‌جویی کنیم این اصل از اتحادیه اروپا شروع شده و امروزه و در بسیاری از معاهدات به آن اشاره شده است. پس می‌توان گفت که ریشه این اصل قراردادی است و با توجه به مواد و مفاد کنوانسیون این اصل مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۱ التزام به توسعه پایدار از مهمترین روش‌های پیشگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی است.

توسعه پایدار از دهه ۱۹۸۰ به عنوان مفهوم اصلی و بنیادین در راهبرد جهانی سازمان ملل قرار گرفت. بر طبق گزارش خانم «برانت لند» در گردهمایی توسعه و محیط‌زیست ۱۹۸۳، مفهوم توسعه پایدار، فرایند پیشرفته‌ای است که بدون کاهش توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهایشان، نیازهای نسل کنونی را تأمین می‌کند. به عبارت دیگر فراهم کردن فرصت زیستن برای همه و همیشه روی کره زمین است. توسعه پایدار سعی می‌کند؛ از طریق پرداختن به محیط‌زیست و توسعه، نگرانی‌های فزاینده درباره آینده سیاره زمین را برطرف کند. اصل توسعه پایدار در مقابل مفهوم عام توسعه بحران‌های زیست‌محیطی به وجود آمده در کشورهای مختلف بوده است.

دولت‌ها باید حمایت خود از اصول توسعه پایدار از جمله آنهایی که در دستور کار ۲۱ تصریح و در مورد آن در کنفرانس محیط‌زیست و توسعه سازمان ملل توفیق شده اعلام نموده و در جهت اجرای این اصول در قلمرو سرزمین خود تلاش نمایند.

محیط‌زیست بستری برای توسعه است که بدون آن ادامه توسعه اقتصادی و زندگی بشر امکان‌پذیر نیست. اولین برنامه برای رسیدن به توسعه پایدار را می‌توان اقداماتی در جهت حفظ منابع طبیعی و جلوگیری از تخریب محیط‌زیست دانست و باید با آگاهی مردم، افزایش مشارکت آنها، مبارزه با فقر و جلوگیری از تخریب محیط‌زیست و حمایت‌های لازم دولت به سوی توسعه پایدار گام برداشت.^۲

۱. افشار ارومیه، فرناز (۱۳۸۸). «بررسی اصل پرداخت آلوده‌ساز در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و نحوه اجرای آن در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده محیط‌زیست و انرژی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران، ص ۱۱۲

۲. حسینی، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۹). «نقش اینترنت در مشارکت عمومی برای حفاظت و مدیریت محیط‌زیست»، نشریه

مفاهیم ارزیابی زیست‌محیطی، آمایش در محیط زیست و ارزش‌گذاری اقتصادی ضامن اجرای اصل توسعه پایدار هستند. تأکید بر وجود پیوست زیست‌محیطی برای همه طرح‌های عمرانی، اقتصادی و غیره در همین راستا می‌باشد. پیوست‌های ضروری مشتمل بر ارائه یک گزارش از آمایش سرزمینی و سپس طرح ارزیابی اثرات محیط‌زیست هستند که قبل از هرگونه فعالیت باید به سازمان حفاظت محیط‌زیست گزارش شوند.

پیشگیری در قواعد مختلف بین‌المللی زیست‌محیطی مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی دریاها ناشی از کشتی‌ها، مارپل ۷۸-۱۹۷۳ بیان می‌دارد که اعضای متعاقد موظفند مفاد کنوانسیون حاضر و ضمایم مربوط به آن را که بدان متعهد می‌شوند در جهت جلوگیری از آلودگی محیط زیست دریایی ناشی از تخلیه مواد مضر با ترکیبات حاوی چنین موادی که ناقض این کنوانسیون می‌باشد به مرحله اجرا درآورند. ماده ۲۰۴ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۳ تصریح می‌کند که دولت‌ها ملزم‌اند که بر محیط زیست ملی خودشان نظارت داشته باشند و تنها محیط زیست تحت حاکمیتشان را پیش کنند.

با توجه به اینکه محیط زیست یکی از مؤلفه‌های حقوق همبستگی یا همان نسل سوم حقوق بشر است لازم است که به این اصول توجه شود تا زندگی انسان و دیگر موجودات تهدید نشود. در این زمینه باید گفت، بدون شک کفایت یک نظام بین‌المللی متشکل از مقررات محیط‌زیستی دولت‌ها به دو عامل وضع قوانین و پیش‌بینی ضمانت‌اجرایی مؤثر وابسته است. که این مسئله باید با توجه به اصول بنیادین محیط‌زیستی انجام گیرد.

در اعلامیه ریو آمده: به منظور نیل به توسعه پایدار، حمایت از محیط زیست باید جزء جدایی‌ناپذیر فرایند توسعه باشد و جدای از آن نمی‌تواند مورد توجه قرار گیرد. اصل ۲۵ نیز مقرر داشته است: صلح، توسعه و حمایت از محیط زیست وابستگی متقابل دارند و قابل تفکیک نیستند. بر اساس این دو اصل سیاست‌ها و عملکردهای دولت‌ها باید در زمینه‌های مختلف برای نیل به توسعه پایدار یکپارچه شوند؛ بنابراین، اصل چهارم و بیست‌وپنجم متضمن دو مفهوم یکپارچگی و وابستگی

حقوق اساسی، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۳۴-۱۷.

۱. موسوی، سیدفضل‌الله (۱۳۹۱). حقوق بین‌الملل محیط زیست، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان، ص ۲۷۱

متقابل است. در واقع تمرکز کنفرانس سازمان ملل متحد درباره توسعه و محیط زیست^۱ بر اتخاذ خط مشی‌های جهانی، که هدف آشکار آن آشتی دادن توسعه اقتصادی با حفظ محیط زیست بود، بایستی در پرتو مفهوم توسعه پایدار دیده شود.^۲

این اصل برای اولین بار در اعلامیه استکهلم^۳ مورد شناسایی قرار گرفت. به موجب اصل ۲۱ این اعلامیه دولت، بر طبق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل، دارای حقوق حاکمه برای بهبود برداری از منابع‌شان، مطابق سیاست‌های محیط‌زیستی خود می‌باشند و مسئول هستند ترتیبی دهند تا فعالیت‌های انجام شده در حیطه صلاحیت یا نظارت آنها موجب ورود زیان به محیط زیست سایر کشورها یا مناطق خارج از صلاحیت ملی آنها نشود.

ب) طرح پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل

کمیسیون حقوق بین‌الملل از سال ۱۹۷۸ برنامه کار خود را موضوع «مسئولیت بین‌المللی برای پیامدهای زیان بار ناشی از فعالیت‌هایی که طبق حقوق بین‌الملل منع نشده‌اند قرار داد؛ اما اشتغال بسیار زیاد کمیسیون به امور دیگر، وقفه‌ای چندین ساله در برنامه کار او ایجاد کرده، تا اینکه مجمع عمومی ملل متحده طی قطعنامه شماره ۵۴/۵۰ مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۹۵، از کمیسیون خواست تا کار تهیه و تدوین نهایی مواد راجع به موضوع را از سر گیرد.

کمیسیون نیز طی تصمیم ۲۸ ژوئن ۱۹۹۶، کارگروه ویژه‌ای را تأسیس نمود تا طرح مواد تهیه شده قبلی را کامل کند، تا پس از تأیید کمیسیون برای مجمع عمومی ارسال گردد. کمیسیون در سال ۲۰۰۱ طرح مواد راجع به جلوگیری از خسارت فرامرزی ناشی از فعالیت‌های خطرناک را تصویب کرد.

ماده ۳ طرح پیش‌نویس مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی ناشی از اعمال زیان بار منع شده در حقوق بین‌الملل مقرر می‌دارد که: «کشورها تمام تدابیر مناسب برای پیشگیری از خسارت فرامرزی قابل توجه را اتخاذ می‌کنند تا خطر به حداقل برسد. ماده ۳ طرح

1. United Nations Conference On Environment And Development 1992.

2. Boyle, Alan E (1994). *Economic Growth And Protection Of The Environment (In Environmental Regulation And Economic Growth)*, 3th ed, New York: Oxford University Press, p 59

۳. اعلامیه استکهلم به دنبال کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست در ۱۶ ژوئن ۱۹۷۲ تصویب شد.

پیش‌نویس مبتنی بر استفاده غیرزیان‌بار از سرزمین است. علی‌رغم محدودیت‌های اعمال‌شده بر آزادی دولت‌ها در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم، ماده ۳ طرح پیش‌نویس و مواد بعدی محدودیت‌های ویژه‌ای را در نظر می‌گیرند. اصولاً ماده ۳ و ۴ طرح پیش‌نویس کمیسیون، مبنای اصلی مواد مربوط به پیشگیری را بنیان می‌نهند و تعهدات خاصی را برای کشورها اعلام می‌کند که به موجب آن، دولت‌ها موظف به پیشگیری از آلودگی‌های فرامرزی قابل توجه یا کاهش خطر آن به حداقل می‌باشند.

بند دوم. اطلاع‌رسانی در خصوص آلودگی‌های زیست‌محیطی

بر مبنای قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی، دولت‌ها ملزم و متعهد به حفظ محیط زیست و مهار چالش‌های زیست‌محیطی هستند. تجربه ثابت کرده است که پاره‌ای از کشورها به بعضی از تعهدات زیست‌محیطی پایبند نیستند نظیر اطلاع‌رسانی در باب فعالیت‌های اقتصادی توأم با آلودگی زیست‌محیطی؛ چراکه دولت‌ها به بهانه‌های حفظ منافع مالی از اطلاع‌رسانی به موقع خودداری می‌نمایند و کشورهای بی‌گناه قربانی آلودگی‌های مرز گذر می‌گردند. اینان به منافع خود بیشتر وفادارند تا به ارزش‌های مشترک و عام جامعه بین‌المللی در قضیه کانال کورفو ۱۹۴۹ دیوان اعلام کرد که آلبانی باید کشورهای دیگر را از وجود مین دریایی آگاه می‌کرد.^۱

بعد دیگر اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی مردم در زمینه جلب توجه‌ها به اهمیت محیط‌زیستی در میان مردم است. دولت‌ها در این‌راستا، ضمن اینکه ملزم به برنامه‌ریزی‌ها و قانونگذاری‌های مناسب و مقتضی هستند بلکه بایستی با دادن اطلاعات و آگاهی‌های لازم به مردم، حساسیت و مشارکت عمومی را نیز برانگیزند.^۲

در راستای این امر، می‌توان به چند سند اشاره نمود از جمله قطعنامه مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۹۰، مجمع عمومی سازمان ملل متحد تحت عنوان ضرورت تضمین محیط زیست سالم برای بهزیستی هر فرد و نیز، اصول مصوب کنفرانس وزرای اتحادیه اروپا در ۲۵ اکتبر ۱۹۹۵؛ کلیه اسناد مذکور در اعلام تأیید کلیه افراد دستگاه‌های دولتی باید به صورت مقدماتی تثبیت و تعیین چهارچوب و محتوای حق بر

۱. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۷). آراء و نظریات دیوان بین‌المللی دادگستری، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

۲. انصاری، محسن (۱۳۷۹). «جایگاه و نقش محیط زیست در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با برنامه‌های قبلی»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۵، شماره ۲۰، ص ۴۲

محیط زیست، اهمیت اساسی دارند، هرچند الزام‌آور تلقی نمی‌شوند ولی این خلأ تا حدودی توسط کنوانسیون‌های منطقه‌ای لازم‌الاجراء بر طرف می‌شود که از جمله آنها می‌توان به اولین سند منشور آفریقایی حقوق بشر، مصوب ۱۹۸۱ و ماده ۱۱، پروتکل الحاقی به کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر در زمینه اقتصادی و فرهنگی مصوب ۱۹۹۸ اشاره نمود.^۱

در سال‌های اخیر، حق مردم بر اطلاع‌یافتن در زمینه محیط‌زیست، به صورت جامع در چارچوب کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد، برای اروپا مورد بررسی قرار گرفته است که منجر به تصویب اصول راهبردی صوفیا مصوب ۱۹۹۵ شده است. مهم‌ترین اصول راهبردی صوفیا در مورد اطلاع‌رسانی واکنشی را می‌توان، به ترتیب زیر ارائه نمود: اصل بر دسترسی عموم به اطلاعات مربوط محیط‌زیست است مگر این تقاضای دریافت اطلاعات به موارد استثناء شده در قانون مربوط باشد.^۲

به موجب ماده دو، کلیه افراد حقیقی و حقوقی، باید بتوانند بدون توجه به رابطه شهروندی، ملیت، محل اقامت و بدون آنکه موظف به اثبات داشتن نفع حقوقی باشند آزادانه به اطلاعات زیست‌محیطی که تقاضا نموده‌اند، دسترسی یابند، بدین ترتیب، به موجب این اصل، دولت‌ها نمی‌توانند با استناد به ملیت افراد، از ارائه اطلاعات مربوط به مسائل محیط‌زیستی به متقاضیان استنکاف نمایند.^۳

از اطلاعات زیست‌محیطی که مقامات دولتی موظف به ارائه آنها هستند، به موجب ماده یک اطلاعات زیست‌محیطی شامل کلیه اطلاعات مربوط به موارد زیر است: وضعیت آب، هوا، خاک، گیاهان، جانوران، سایت‌های طبیعی، فعالیت‌ها با تدابیری که می‌تواند اثر منفی بر این عناصر داشته باشد و همچنین، کلیه فعالیت‌های مربوط به حمایت از محیط‌زیست، از جمله تدابیر اداری و برنامه‌های مدیریت زیست‌محیطی، به علاوه اطلاعات زیست‌محیطی، شامل اطلاعات در کلیه اشکال خود از جمله، اطلاعات مکتوب، دیداری، شنیداری یا موجود در بانک‌های داده‌ها می‌شود.^۴

۱. طیبی، سید جمال الدین؛ ملکی، محمدرضا (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی استراتژیک، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤلفین، ص ۶۹

۲. رامشت، محمدحسین (۱۳۷۵). کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه‌ریزی ملی - منطقه‌ای و اقتصادی، چاپ اول، اصفهان: انتشارات اصفهان، ص ۳۲

۳. مخدوم، مجید (۱۳۹۱). زیستن در محیط زیست، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۸۴

4. Dmitri, M. (2011). »Environmental Decision making by Multilateral Development Banks, a Theoretical Framework for Assessing their Environmental Performance«, International Journal of Sustainable Society, Vol.3, No.1. p: 320-347

اصول راهبردی صوفیا، مقامات دولتی را در سطوح ملی، استانی و محلی موظف می‌کنند اطلاعات محیط‌زیستی را، در اختیار عموم مردم و همچنین، نهادهایی که مسئولیت عمومی در زمینه محیط‌زیست دارند، قرار دهد. در هر موردی که درخواست ارائه اطلاعات می‌شود، مقامات دولتی موظف‌اند، نفع عمومی ناشی از عدم انتشار را در نظر بگیرند.^۱

دستیابی به اطلاعات، باید به صورت رایگان یا با هزینه بسیار کم باشد. اگر اطلاعات در اشکال مختلف وجود دارد، مثلاً به صورت مکتوب یا سمعی مقامات دولتی موظف‌اند، اطلاعات را در شکلی که از آن تقاضا شده است، ارائه نمایند. کنوانسیون ۱۹۹۸ دانمارک، اولین سند لازم‌الاجرا در قلمرو بین‌المللی در خصوص دسترسی عمومی به اطلاعات محیط‌زیستی است. این کنوانسیون، نه تنها قدمی بسیار مهم در حمایت از محیط زیست و حق بر محیط‌زیست تلقی گردیده است، بلکه، سند مهمی برای تضمین رعایت اصول دموکراتیک در اتخاذ اجرای تصمیمات دولتی است.

بند سوم. ضرورت همکاری دولت‌ها

مسلم است که حفظ محیط زیست و مهار بحران‌های زیست‌محیطی، بدون یک اجماع و همکاری جهانی میان دولت‌ها میسر نخواهد شد. امری که در بسیاری از معاهدات و اسناد بین‌المللی به آن تصریح شده است از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: در بند اول ماده ۲ کنوانسیون حفاظت از گونه‌های مهاجر وحشی بن ۱۹۷۹ آمده است که طرف‌های متعهد بایستی اقدامات لازم و مقتضی را برای حفاظت این قبیل گونه‌ها و زیستگاه‌های آنان به صورت انفرادی یا همکاری با دیگران به کار برند. در بند ۲ همان ماده آمده است که دولت‌ها بایستی تحقیقات مربوط به گونه‌های مهاجر را ارتقاء داده و در آن زمینه همکاری نموده و از آن حمایت نمایند. ماده ۱۹۷ کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ نیز تأکید می‌کند که دولت‌ها به منظور حمایت و حفاظت از محیط‌زیست دریایی بر یک مبنای جهانی و در صورت لزوم منطقه‌ای به طور مستقیم یا از طریق سازمان‌های صلاحیت‌دار بین‌المللی برای وضع و تهیه قواعد، معیارها روش‌ها و رویه‌های توصیه شده بین‌المللی منطبق بر این کنوانسیون با در نظر گرفتن ویژگی‌های منطقه همکاری خواهند کرد.

۱. یوسفی، محسن (۱۳۸۰). «توسعه پایدار و حفاظت محیط زیست از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

تهران: دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه- دانشگاه تهران، ص ۸۱

برای تحقق همبستگی بین‌المللی لازم است دولت‌ها با حسن نیت ارزش‌های بین‌المللی را که نماد حمایت از حقوق بشر است، به‌ویژه در زمینه محیط زیست ارج نهند. درست است که حفاظت از محیط زیست بدون مشارکت جامعه بین‌المللی، نهادهای دولتی و خصوصی مردم و دولت‌ها تحقق‌پذیر نیست اما دولت‌ها به عنوان تابعین اصیل و سنتی حقوق بین‌الملل جایگاه برجسته‌ای در رعایت موازین محیط زیست دارند. دولت‌ها متعهدند با همکاری یکدیگر و به نحو مؤثر از ایجاد و اشتغال مواد با تأسیسات آلوده‌کننده از کشورهای مولد آلودگی به کشورهای جهان سوم اجتناب ورزند و هزینه‌های مبارزه با آلودگی را بپردازند.

بند ۵ ماده ۴ کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب‌وهوا (تغییرات اقلیمی) نیویورک ۱۹۹۲ تصریح می‌کند که کشورهای پیشرفته باید تمامی اقدامات لازم را برای ترغیب تسهیل و تأمین اعتبار، انتقال یا دسترسی به آگاهی‌ها و فن‌آوری‌های کامل و معقول زیست‌محیطی به سایر اعضا به‌ویژه کشورهای در حال توسعه جهت ارتقای توان آنها انجام دهند. آنها همچنین باید از توسعه و ارتقاء فن‌آوری‌ها و قابلیت‌های کشورهای در حال توسعه حمایت نمایند.^۱

این ماده همکاری از طریق تبادل اطلاعات و فن‌آوری را مورد تأکید قرار می‌دهد. همچنین در ماده ۴ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان‌زدایی در کشورهایی که به طور جدی با خشکسالی و بیابان‌زایی مواجه می‌باشند، پاریس ۱۹۹۴ تحت عنوان «تعهدات عمومی تأکیدشده که اعضا بایستی همکاری بین کشورهای مبتلا به در زمینه‌های حمایت از محیط زیست و حفاظت منابع آب و خاک در حالی که مربوط به بیابان‌زایی و خشکسالی می‌شود را توسعه دهند و نیز همکاری‌های زیرمنطقه‌ای، منطقه‌ای و بین‌المللی را تقویت نمایند ماده ۱۱ همان کنوانسیون تحت عنوان همکاری بین‌المللی و طرف‌های متعاقد با جامعه بین‌المللی باید همکاری نمایند تا از اعتلاء یک محیط بین‌المللی جهت اجرای مفاد این کنوانسیون اطمینان یابند این همکاری باید زمینه‌های انتقال فن‌آوری و همچنین تحقیقات و توسعه علمی جمع‌آوری و توزیع اطلاعات و منابع مالی را نیز تحت پوشش قرار دهد». در این کنوانسیون همکاری‌های فنی و علمی نیز در مواد ۱۶ و ۱۷ مورد توجه قرار گرفته است ماده ۶ کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی خزر ۲۰۰۳

۱. پورهاشمی، سیدعباس (۱۳۹۲). «تحلیل وضعیت حقوق فردی و اجتماعی پناهگاه‌های اقلیمی از منظر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست»، مجله علوم و فناوری محیطی، دوره ۲، شماره ۹، صص ۵۷-۴۳.

تحت عنوان «تعهد به همکاری و ماده ۱۸ تحت عنوان همکاری میان طرف‌های متعاقد، کشورهای حاشیه دریای خزر را به همکاری به صورت دوجانبه با چندجانبه دعوت می‌کند و یا به عبارتی ملزم می‌کند (موسوی، ۱۳۸۵: ۱۳۶). علاوه بر مواد ۶ و ۱۸ در این کنوانسیون، در هیجده ماده دیگر نیز از کلمه همکاری میان کشورهای حاشیه دریای خزر با هم و سایر مراجع استفاده شده است که نشانگر اهمیت همکاری در خصوص حفاظت از محیط زیست دریای خزر می‌باشد.

بند چهارم. اصل احتیاط

بر اساس این اصل، حمایت از محیط زیست از طریق جلوگیری از خسارات زیست‌محیطی بهتر تأمین می‌شود تا جبران خسارات. به همین سبب ضوابط و مقررات زیست‌محیطی بایستی علل نابودی محیط زیست را پیش‌بینی و از آنها جلوگیری کند. «تجربه و عقیده متخصصان علمی ثابت می‌کند که اصل جلوگیری برای محیط زیست چه از جنبه اکولوژیک و چه از لحاظ اقتصادی به عنوان یک قاعده طلایی به حساب می‌آید. چون غالباً جبران آسیب‌های وارد شده به محیط زیست غیرممکن است این آسیب‌های جبران‌ناپذیر عبارتند از: انقراض گونه‌های جانوری و گیاهی، فرسایش خاک یا حتی تخلیه مواد آلوده‌کننده پردوام در داخل دریا که وضعیت‌های برگشت‌ناپذیری ایجاد می‌کنند. حتی اگر خسارات وارد شده قابل جبران باشد هزینه‌های احیا، گران است»^۱

«اصل احتیاط به لحاظ اکولوژیک و از جنبه اقتصادی به عنوان یک قاعده طلایی عمل می‌کند؛ زیرا غالباً جبران زیان‌های وارد شده به محیط زیست غیرممکن است؛ برای نمونه انقراض گونه‌های جانوری و گیاهی، فرسایش خاک و تخلیه مواد آلاینده پردوام درون آب رودخانه‌ها و اقیانوس‌ها، که همگی وضعیت بازگشت‌ناپذیری را ایجاد می‌کنند، از این دست خسارات به شمار می‌روند. اگر در مواردی امکان جبران خسارت هم وجود داشته باشد، به سبب هزینه‌های کلانی که طلب می‌کند، معمولاً انجام دادن آن دور از صرفه اقتصادی است و در نتیجه دولت‌ها تمایلی به تقبل هزینه‌های آن نخواهند داشت»^۲. ماده ۱۴ کنوانسیون آیین رضایت قبلی برای مواد شیمیایی و آفت‌کشهای

۱. حبیبی، محمد حسن (۱۳۸۴). حقوق محیط زیست، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۶۹

2. Kurukulasuriya, Lal; Robinson, Nicholas A (2006). **United Nations Environment Programme**. Division of Environmental Policy Development and Law, 1th ed, New York Publisher UN EP/Earthprint.

خطرناک خاص در تجارت بین‌الملل روتردام ۱۹۹۸ در قالب تبادل اطلاعات، اطلاعات مربوط به اقدامات پیشگیرانه از جمله طبقه‌بندی مخاطرات احتمالی نیز جزء موارد مورد نظر و مطابق با اهداف کنوانسیون تلقی شده است. «همچنین در این راستا بند ۳ ماده ۳ کنوانسیون تغییرات آب‌وهوا ۱۹۹۲ مقرر می‌دارد که اعضا ملزم شده‌اند تا اقدامات پیشگیرانه و احتیاطی جهت پیش‌بینی جلوگیری و به حداقل رساندن موجبات تغییرات آب و هوا و کاهش آثار سوء را به‌کارگیرند. پروتکل ایمنی زیستی، کارتاگنا ۲۰۰۰، اساساً با تکیه بر اصل احتیاطی شکل گرفته و قوانین خود را بر اساس آن بنا نهاده است و به تفصیل در موارد متعددی نظیر بند حماده الناد ماده ۱۶ و ماده ۱۷ این اصل پرداخته است. شایان ذکر است که ماده ۱۷ از مصادیق ارتباط اصل احتیاطی و اصل اطلاع‌رسانی است و مقرر می‌دارد که هر عضو چنانچه اطلاع حاصل کند که در حوزه صلاحیت آن رخ داد ناشی از رهاسازی اتفاق افتاده است که احتمال می‌رود اثرات زیان‌بار درخورتوجهی در پی داشته باشد، باید سایر دول تحت تأثیر را مطلع و اقدامات احتیاطی را در این خصوص به‌کارگیرد. بند الف ماده کنوانسیون چارچوب حفاظت از محیط زیست دریایی دریای زر ۲۰۰۳ تصریح می‌کند الزام اعضای متعاقد به اصل احتیاطی که به موجب آن، در صورتی که تهدید جدی با خسارت جبران‌ناپذیر به محیط زیست دریای خزر وجود داشته باشد فقدان اطمینان علمی جامع نمی‌تواند به عنوان دلیلی برای به تعویق انداختن اقدامات جهت جلوگیری از خسارت مزبور مورد استفاده قرار گیرد. همچنین بند ۲ ماده ۱۱ مقرر می‌دارد که طرف‌های، متعاقد، کلیه اقدامات مناسب را برای کاهش تأثیرات منفی احتمال اقداماتی که منشأ انسانی دارند انجام خواهند داد»^۱

«در اعلامیه ریو نیز اصل ۱۷ در واقع تعریفی از ارزیابی آثار زیست‌محیطی را ارائه کرده است. اصل احتیاط تکلیف می‌کند که هر دولتی در به‌کارگرفتن مقررات «باید سعی کند» که بر مبنای «عمل منصفانه» و به‌درستی و در جهت نظم عمومی، فعالیت‌های بخش خصوصی تحت قلمرو و نظارت وی، روی بخش محیط زیست زیان‌آور نباشد. اصل عدم سوءاستفاده به عنوان یک وظیفه مطلق در جلوگیری از همه زیان‌ها تأکید دارد، اما الزامی که بر دولت‌ها در جهت ممنوعیت فعالیت‌هایی اشاره می‌شود، وقتی است که آن فعالیت موجب زیان شدید به داخل یک دریاچه بین‌المللی شود» (Ynas et al, ۲۰۲۱: ۷۸). «اصل اقدامات احتیاطی در دیوان بین‌المللی دادگستری نیز مطرح شد و قاضی

1. Smit, Brian D (2007). *state Responsibility and Marine Enuonment*, 3th ed, oxford: Publisher Clarendon Press, p 15

ویرامانتاری^۱ در نظریهٔ مخالف خود اظهار داشت که حقوق نمی‌تواند کارویژهٔ حمایت از محیط زیست را انجام دهد، مگر اینکه یک اصل حقوقی برای حل این مشکل مسلم مداخله کند و حقوق محیط زیست به این امر با اصل احتیاطی پاسخ گفته است.»

«مرکز بحث و نقطهٔ محوری اصل احتیاطی عنصر پیش‌بینی است که بازتاب نیاز به اقدامات مؤثر زیست‌محیطی است و باید براساس اقدامات بلندمدت صورت گیرد و بازنگری‌های ممکن را بر مبنای تغییراتی که در دانش بشری به وجود می‌آید صورت دهد. همچنین مرکز ثقل بحث این اصل توجه به این واقعیت است که تصمیم‌گیرندگان دخیل در امر محیط زیست به ندرت تمام اطلاعاتی را که قبل از تصمیم‌گیری لازم دارند، در اختیار دارند. اصل اقدامات احتیاطی قبل از اصل جلوگیری مورد توجه و توسعه قرار گرفت. به نظر می‌رسد دلیل این امر این بوده است که از آنجا که اعمال اصل جلوگیری نیازمند تدابیر و ارزیابی‌های تخصصی علمی و تکنولوژی و علم روز است، استفاده از اصل اقدام احتیاطی حتی در موارد شك علمی نیز می‌تواند راهگشا باشد؛ درحالی‌که اصل جلوگیری مستلزم وجود ابزار علمی است و با پیشرفت علوم ملازمه دارد؛ به عبارت دیگر، دولت‌ها می‌توانند به استناد عدم وجود تکنولوژی و دانش روز از زیر بار تعهدات اصل جلوگیری شانه خالی کنند در حالی‌که در همین حالت (نبود تکنولوژی و قطعیت علمی) نمی‌تواند به اصل اقدامات احتیاطی بی‌توجهی کند و حتی اگر احتمال وقوع خسارت عمده وجود دارد، باید احتیاط‌های لازم را مبذول دارند. این امر تفاوت اصل جلوگیری و اقدامات احتیاطی را نمایان می‌کند»^۲

بند پنجم. اصل مشارکت

حقوق بین‌الملل محیط زیست در راستای مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی و مهار چالش‌های موجود در این خصوص که بشر با آنها دست‌به‌گریبان است دولت‌ها را ملزم به مشارکت فعال و جدی در موضوعات زیر نموده است: مشارکت در امر توسعه قوانین؛ مشارکت در حفظ و حمایت از محیط زیست؛ مشارکت در امر حمایت و توسعه محیط زیست؛ مشارکت در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرا؛ مشارکت مالی کشورهای توسعه‌یافته در جهت بهبود محیط زیست در سایر کشورها بالاخص

1. Weeramantry

۲. موسوی، سید فضل‌الله (۱۳۸۵). سیرتحوالات منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ص ۹۹

در حال توسعه؛ مشارکت در امر انتقال علوم و فناوری ظرفیت‌سازی بومی؛ مشارکت در تأمین نیازهای اساسی بشری؛ مشارکت مشورتی (شرکت نمودن بخش‌های عمومی و خصوصی در جلسات زیست‌محیطی به جای متعهدین؛ مشارکت در اجرای کنوانسیون‌های مربوط به محیط زیست)؛ مشارکت در جبران ضرر و زیان ناشی از عدم انجام تعهد، آلودگی و ...^۱

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان‌زدایی در کشورهایی که به طور جدی با خشکسالی یا بیابان‌زایی مواجه می‌باشند، پاریس ۱۹۹۴، این کنوانسیون به دلیل طرح موضوعی که با مسائل مختلف اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فیزیکی و غیره درگیر است و علاوه بر آن سطح وسیعی از جهان را در بر گرفته است؛ لذا مشکلی در سطح جهانی و درگیر با کلیه سطوح جامعه است، به همین سبب مشاهده می‌شود که موضوع مشارکت در کلیه سطوح در این کنوانسیون بیشتر از سایرین به چشم می‌خورد، چراکه رفع این معضل بدون مشارکت اصلاً امکان‌پذیر نمی‌باشد مقدمه این کنوانسیون به ضرورت همکاری و مشارکت سازمان‌های بین‌المللی در امر بیابان‌زدایی پرداخته است. بند «ت» ماده ۴ اعلام داشته که اعضای متعهد موظف هستند آگاهی را ارتقا داده و در خصوص مهار بیابان‌زایی و کاهش اثرات خشکسالی مشارکت جوامع محلی را فراهم آورند در الحاقیه‌های کنوانسیون بیابان‌زدایی هم الزامات مشارکتی و ترغیب جهت مشارکت‌های عمومی و خصوصی به چشم می‌خورد به فرض بند ب قسمت اول ماده ۴ الحاقیه آفریقا ناظر بر روح همبستگی و مشارکت می‌باشد. همچنین بند ۲ ماده ۳ الحاقیه مدیترانه به روش مشاوره‌ای مشارکتی و درگیر کردن سطوح مختلف دولتی، انجمن‌های محلی و سازمان‌های غیردولتی اشاره دارد. بند ب قسمت دوم ماده ۴ الحاقیه آسیا نیز به الزام دولت‌ها در امر مشارکت دولتی و مردمی برای مقابله با معضلات بیابان‌زایی و خشکسالی تصریح دارد.^۲

بند ششم. مسئولیت پرداخت غرامت

دولت و زیان‌های ناشی از آن به تدریج اصل حاکمیت مطلق دولت منافات با جبران خسارت دارد و دولت که حاکمیت مطلق در تمام امور دارد نمی‌تواند و نباید جوابگوی اعمالی باشد که به نام

۱. رودریگر، ولنرم (۱۳۸۱). «مسئولیت بین‌المللی مدنی در قبال خسارات زیست‌محیطی وسیله‌ای برای اجرای قواعد حقوق بین‌الملل»، ترجمه و تحقیق نادر ساعد، فصلنامه سازمان حفاظت محیط زیست، دوره ۳۷، شماره ۵، صص ۱۸-۱۶.

۲. ملک محمدی نوری، حمیدرضا (۱۳۷۴). «ملل متحد و محیط زیست نگاهی به اقدامات و کوشش‌های ملل متحد در حمایت از محیط زیست کره زمین»، مجله سیاست خارجی، دوره ۹، شماره ۳، صص ۳۰-۲۸.

حاکمیت انجام می‌دهد این استدلال در زمانی که دولت فقط نقش نظارتی را بر عهده داشت و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی او محدود بود قابل قبول بود؛ چراکه امکان ایراد خسارت کم بود ولی با توسعه دخالت دولت در امور اقتصادی و اجتماعی دیگر نظریه گذشته نمی‌توانست مورد قبول باشد و دولت مانند هر شخصیت حقیقی و حقوقی دیگر مسئول خسارتی خواهد بود که متوجه افراد می‌گردد.^۱

«پس دولت‌ها در ارتباط با اعمال خود از جمله تخریب و آلودگی محیط زیست باید متعهد بوده و در صورت تخریب و یا آلودگی جوابگو باشند. ویژگی خاص مسئولیت بین‌المللی ناشی از خسارات محیط زیستی یکی از مفاهیم مهمی است که روابط بین دولت‌ها را تنظیم کرده و اصل حاکمیت دولت‌ها است»^۲

«اقتضاء اصل حاکمیت دولت‌ها، الزام به رعایت قاعده لاضرر است و اگر دولتی ضرری را متوجه عضو یا اعضای دیگر نمود ملزم به جبران آن خواهد بود. بر اساس تعریف ارائه شده از سوی جامعه اروپا که در هفتم نوامبر ۱۹۷۴ بیان شده است آلوده ساز کسی است که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به محیط زیست آسیب می‌رساند یا کسی که موجبات خسارت عمده را بر محیط زیست فراهم می‌کند. اصل شانزدهم بیانیه ۱۹۹۲ ریو، نیز بر این نکته تصریح دارد که اصولاً آلوده‌کننده محیط زیست باید هزینه‌های آن را بپردازد و از دولت‌ها می‌خواهد که این موضوع را مورد توجه قرار بدهند»^۳

نتیجه اصلی مسئولیت یک دولت متخلف این است که وظیفه جبران خسارت را دارد. در عین حال، دولت آسیب‌دیده (یا سایر دولت‌ها) ممکن است اقدامات متقابل علیه دولت متخلف را انجام دهد تا این دولت را به حالت انطباق برگردانند. این طرح بصری دولت به معنای انجام عدالت بر پیچیدگی قوانین ثانویه نیست با این حال، این به عنوان زمینه لازم برای تجزیه و تحلیل مسئولیت دولت‌ها در قبال آسیب‌های زیست‌محیطی عمل می‌کند. انتقادهای شدیدی نسبت به اعمال قوانین مسئولیت بین‌المللی زیست‌محیطی دولت‌ها و به‌ویژه تعهدات اصلی آن در زمینه جلوگیری از آسیب‌های

۱. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۱). مسئولیت مدنی دولت، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۳

۲. کیس، الکساندر (۱۳۸۴). حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۵۸

۳. ظاهری، علی رضا (۱۳۸۳). «تحولات قاعده مصونیت دولت (تأثیر قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران و قانون

مبارزه با تروریسم ایالات متحده آمریکا)»، نشریه حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۲، شماره ۳۰، ص ۱۶۹

فرامرزی صورت گرفته است. استدلال اصلی در مورد استفاده از مسئولیت دولت در مورد نقض قوانین زیست‌محیطی این است که اگرچه آنچه برای تأمین امنیت محیط زیست مورد نیاز است یک رویکرد پیشگیرانه است، مسئولیت‌های دولتی در روشی قانونی، رسمی و استاتیک است.

در حالی که مسئولیت دولت را می‌توان به عنوان یک قانون واکنش‌پذیر و نه پیشگیرانه دانست، در همین زمان، مقررات مربوط به مسئولیت دولت به آرامی شروع به استفاده در دادخواست‌های بین‌المللی محیط زیست می‌شود درحقیقت نقاط قوت انکارناپذیری در مسئولیت دولت وجود دارد، بدیهی‌ترین آن این است که می‌تواند پاسخی روشن به وظیفه ارائه غرامت و مسئولیت انجام عمل نادرست ارائه دهد. مشکلات و نقاط قوت مسئولیت دولت در برابر آسیب‌های زیست‌محیطی را می‌توان به بهترین وجه از طریق لنزهای تعهد عرفی عمومی برای جلوگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی فرامرزی مشاهده کرد تعهد جلوگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی یک قاعده اولیه است که می‌تواند به عنوان یک الزام رفتار شناخته شود. این درواقع به این معنی است که دولت‌ها برای جلوگیری از آسیب‌های زیست‌محیطی فرامرزی باید اقدامات خاصی را انجام دهند و اگر موفق به انجام آن اقدامات شوند، نمی‌توانند تحت قوانین بین‌المللی مسئولیت‌پذیر باشند، حتی اگر آسیب محیطی نیز به وجود آمده باشد. این امر به این دلیل است که آنها تعهدات بین‌المللی خود را نقض نکرده‌اند مسئولیت دولت فقط در صورت نقض تعهد عملی می‌شود. آنها باید با کشورهای آسیب‌دیده مشورت و مذاکره کنند و آنها نیز باید روش‌های واکنش اضطراری را در پیش بگیرند.

الزام دولت‌ها به پرداخت هزینه‌های مرتبط با اقدامات آلوده‌ساز، در منابع متعدد حقوق بین‌الملل محیط زیست آمده است. «ماده ۶ کنوانسیون بین‌المللی مربوط به مداخله در دریا‌های آزاد در صورت بروز سوانح آلودگی نفتی، بروکسل ۱۹۶۹ تصریح می‌کند هر عضوی که در جهت خلاف مقررات کنوانسیون حاضر، اقداماتی را انجام داده که موجب ورود خسارات به دیگران شده باشد، به پرداخت غرامت به میزان خسارات ناشی از اقداماتی که به طور منطقی از آنچه برای رسیدن به اهداف مذکور در ماده ۱۰ کنوانسیون حاضر لازم است، فراتر می‌باشد، ملزم می‌شود»^۱

۱. پورهاشمی، سیدعباس؛ موسوی، مریم‌السادات (۱۳۹۰). «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در محیط زیست»، نشریه تحقیقات

حقوق خصوصی و کیفری، دوره ۷، شماره ۱، ص ۷۵

همچنین پروتکل‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۹۲ کنوانسیون بروکسل ۱۹۶۹ که کنوانسیون بروکسل را درباره مسئولیت مدنی خسارت ناشی از آلودگی هیدروکربورها اصلاح کرده است، به اصل پرداخت توسط آلوده‌ساز اشاره دارد.

گفتار سوم. بحران‌های زیست‌محیطی در حقوق ایران

بحران‌های زیست‌محیطی ایران (رتبه ۶۷ در میان کشورهای جهان بر اساس شاخص عملکرد زیست‌محیطی در سال ۲۰۲۰ و خسارات ناشی از تخریب زیست‌محیطی حدود ۸۴۳۰ میلیون دلار در سال ۲۰۰۲) نشان می‌دهد که در نیل به استانداردهای مطلوب فاصله وجود دارد و در سطح بین‌المللی نیز به‌رغم تلاش‌هایی که صورت گرفته اما هنوز راه رسیدن به توافقات مؤثر و تحقق رژیم حقوقی مناسب درخصوص مدیریت چالش‌های زیست‌محیطی با چالش‌ها و موانع زیادی مواجه است. بحران محیط زیست، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که انسان در عصر حاضر با آن رو به روست که حاصل دخالت و بهره‌وری نامعقول انسان از محیط پیرامون است و مشکلات عدیده‌ای از جمله ترافیک سنگین، آلودگی هوا، عدم ارائه امکانات و تسهیلات مناسب برای شهروندان و... به وجود خواهد آورد.^۱

بند اول. نقش نظارتی دولت

برای حل بحران زیست‌محیط در حقوق ایران، می‌بایست همزمان با تقویت نقش نظارتی و کنترلی دولت در حوزه محیط زیست (از مجرای سازمان حفاظت محیط زیست)، حجم تصدی‌گری دولت در حوزه اقتصاد را که در قالب سرمایه‌گذاری و مدیریت در واحدهای اقتصادی صورت می‌گیرد، حداقل نمود. این امر نیازمند یک اصلاح ساختاری و به تعبیری مهندسی مجدد ساختار اقتصادی دولت است. با توجه به اقدامات و تصمیمات کلان ملی اخیر در بازبینی مصادیق اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی جهت واگذاری بخش شایان توجهی از تصدی‌های دولتی به بخش خصوصی به نظر می‌رسد زمینه‌های اصلاحات ساختاری در حوزه دولت تاحدی مهیا شده است و چنانچه این اقدامات از منظر ملاحظات زیست‌محیطی بررسی گردد نقش و وظیفه نهادهای متولی محیط زیست به‌ویژه سازمان حفاظت محیط زیست بسیار حساس و اساسی جلوه می‌نماید.

۱. حسین‌زاده، مجید، درآمدی بر حکمرانی خوب در بخش محیط زیست، گزارش پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای

اسلامی، شماره مسلسل: ۱۸۳۱۳، ۱۴۰۱، ص ۵

چراکه لازم است وظایف و کارکردهای خود را با توجه به تغییرات اساسی اخیر در ساختار اقتصادی کشور مورد بازبینی قرار دهند؛ زیرا به نظر می‌رسد در صورت اجرایی شدن سیاست‌های اخیر، دغدغه ناشی از متمرکزشدن عاملیت در ایجاد آلایندگی و نظارت بر رعایت ملاحظات زیست محیطی در یکجا تا حد زیادی مرتفع خواهد شد.^۱

بند دوم. درج سیاست‌های زیست محیطی در قوانین و مقررات

در بیشتر کشورها، یکی از مهم‌ترین مشکلات زیست محیطی، کم‌رنگی ملاحظات محیط زیست در سیاست‌ها و برنامه‌های کلان است. علت اصلی این موضوع لحاظ نکردن آن در تولید ناخالص داخلی کشورهاست چراکه سرمایه‌گذاری در سطح برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی معمولاً به سمت بخش‌هایی سوق پیدا می‌کند که سهم عمده‌ای در تولید ناخالص داخلی دارند. از این‌رو، چنانچه ارزش‌گذاری مناسبی از منابع زیست محیطی به عمل نیاید، سرمایه‌گذاری در این بخش متناسب با ارزش واقعی این منابع در تولید ناخالص داخلی به وجود نمی‌آورد و سبب تضعیف منابع زیست محیطی می‌شود.^۲

موضوع استفاده از سازوکارهای اقتصادی نظیر برقراری مالیات و عوارض زیست محیطی، ایجاد نهادهای مالی غیردولتی در چند سال اخیر و به دنبال آن بروز مشکلات زیست محیطی و ناکارآمدی منابع مالی و تأکید صرف بر قوانین و مقررات محیط زیستی و تأمین اعتبار برای منابع دولتی عمل می‌کنند. ایجاد نهادهای مالی مبارزه با آلودگی‌ها و تخریب محیط زیست یکی از این سازوکارهاست که به منظور حل مشکلات زیست محیطی و تأمین منابع مالی پروژه‌های محیط زیست تأسیس می‌شوند. شایان ذکر است که بخش اعظم منابع مالی این نهادها علاوه بر کمک‌های دولتی از محل عوارض و مالیات‌های زیست محیطی تأمین می‌شوند. درحقیقت، این سازوکار از این منظر پیروی می‌کند که آلوده‌کننده باید هزینه‌های آلودگی را پرداخت کند.^۳

۱. مرادحاصل، نیلوفر، مزینی، امیرحسین، ارزیابی نقش دولت در چالش‌های زیست محیطی ایران، (رویکرد اقتصاد محیط زیست)، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره دهم، شماره ۴، ۱۳۸۷، ص ۱۷

۲. قربانی، داریوش، تأملی بر جایگاه حسابداری سبز در نظام نوین جهانی، مجله مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، دوره سوم، شماره ۱، ۱۳۹۶، ص ۲۱۰

۳. لسانی، سیدبهاد و همکاران، راهکارهای حفاظت از محیط زیست در فعالیت اقتصادی در ایران، فصلنامه مطالعات

بند سوم. مدیریت مخارج دولت

ترکیب هزینه‌های دولت بین کالاهای عمومی و خصوصی بر میزان آلودگی در محیط زیست اثر دارد. مخارج دولت می‌تواند برای کالاهای عمومی همچون یارانه به خانوارها از طریق آموزش، بهداشت، حمل و نقل عمومی، حفاظت محیط زیست، تحقیق توسعه و زیرساخت‌ها مورد استفاده قرار گیرد. همچنین، هزینه‌های دولت می‌تواند برای کالاهای خصوصی همچون یارانه به تولید سوخت‌های فسیلی و مصرف انرژی، یارانه به نهاده‌ها، برنامه کشاورزی، اعتبارات اهدایی دولتی به شرکت‌ها و صنایع با یارانه‌های خاص مورد استفاده قرار گیرد. مخارج دولت می‌تواند اثرات مستقیم و غیرمستقیم بر میزان آلودگی در محیط زیست داشته باشد. مصرف انرژی و تولیدات در وزارتخانه‌ها، ادارات و سازمان‌های دولتی می‌تواند به طور مستقیم موجب افزایش آلودگی در محیط زیست شود.^۱

نتیجه‌گیری

در مقاله به بررسی نقش دولت‌ها در بحران‌های زیست‌محیطی؛ چارچوب‌های حقوقی و مسئولیت‌های عمومی پرداخته شد. نتایج نشان داد روند تخریب و آلودگی محیط زیست شدت گرفته و انهدام گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری را موجب شده و سلامتی انسان را به شدت تهدید کرده است. تخریب محیط زیست توسط دولت منجر شده که طبیعت و اکوسیستم به شدت نامتعادل شده و صدمات جبران‌ناپذیری را به وجود آورد. قطع بی‌رویه درختان برای جاده‌سازی و تولید کاغذ سوخت حاصل از اتومبیل‌ها و کارخانجات، پخش مواد نفتی در اقیانوس و دریاها، جنگ‌های داخلی و بین‌المللی گرم شدن کره زمین، کاهش ضخامت لایه ازن رشد بی‌رویه جمعیت استفاده غلط از تکنولوژی، شکار بی‌رویه حیوانات آبی و غیر آن آزمایشات ژنتیکی بر جسم و جان گیاهان و جانوران و منحرف کردن آنان از زندگی طبیعی خودشان و صدها عمل غیرقانونی دولت‌ها و آدمیان باعث تخریب و آلودگی محیط زیست شده است. الزام دولت‌ها به دادن اطلاعات و آگاهی‌های لازم در خصوص زیست بوم آنان و جلب حساسیت و مشارکت عمومی در این راستا. الزام دولت‌ها به ایجاد یک اجماع جهانی و تحقق همکاری و مشارکت همگانی در گستره جهانی. الزام دولت‌ها برای به‌کارگیری اقدامات پیشگیرانه و ممانعت از

حقوق عمومی، دوره ۵۰، شماره ۳، ۱۳۹۹، ص ۹۴

۱. زرورکی، شهریار، اثر اندازه دولت بر آلودگی محیط زیست در ایران، تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۲۶، ۱۳۹۸، ص ۲۰۲

خطرات و آسیب‌های زیست‌محیطی به عنوان یک قانون طلایی. الزام دولت‌ها به اقدامات احتیاطی در راستای مهار بحران‌ها و معضلات زیست‌محیطی. الزام دولت‌ها به اصل پرداخت آلوده‌ساز و جبران خسارات و زیان‌های وارده به محیط زیست از طرف عضو خاطی. الزام دولت‌ها جهت مشارکت در امور مرتبط با بحران‌های زیست‌محیطی از جمله توسعه قوانین انتقال علوم و فنون و کمک‌های مالی. الزام دولت‌ها به حفظ میراث مشترک فرهنگی و آثار با ارزش و بی‌بدیل طبیعی. الزام دولت به لحاظ کردن حقوق نسل‌های آینده و تضمین حقوق آیندگان نسبت به زیست بوم. به طور کلی برای اجرای قواعد و اصول حقوق بین‌الملل و ارتباط با محیط زیست باید برای متعهد کردن دولت‌ها ضرورت‌هایی را مدنظر قرار داد: ۱. تأسیس نهادهای بین‌المللی به‌ویژه نهادهای مشاوره‌ای و دیوان‌های بین‌المللی قضایی با هدف نظارت بر اعمال کنوانسیون‌های عام و خاص زیست‌محیطی. ۲. بهره‌گیری از تجربیات منطقه‌ای برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی کشورها با موضوع محیط زیست و مواجهه فوری با تخریب‌ها و آلودگی‌های فرامرزی. ۳. تأسیس نهادهای مدیریتی واحد برای اتخاذ تدابیر مشترک و قابل اجرا. ۴. بهره‌گیری از دیدگاه‌های مشورتی و اجرایی سازمان‌های غیردولتی در تهیه اسناد زیست‌محیطی که با داشتن اطلاعات تخصصی قادرند مسیر حرکت دولت‌ها را همراه سازند. ۵. افزایش صلاحیت سازمان‌های بین‌المللی دست‌اندرکار در حوزه‌های مشارکت‌های علمی جمع‌آوری یافته‌ها، تأسیس نهادهای اداری متمرکز ظرفیت‌سازی و بسترسازی فرهنگی.

منابع

فارسی

۱. ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۱). مسئولیت مدنی دولت، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. افشار ارومیه، فرناز (۱۳۸۸). «بررسی اصل پرداخت آلوده‌ساز در حقوق بین‌الملل محیط زیست و نحوه اجرای آن در ایران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده محیط زیست و انرژی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران.
۳. انصاری، محسن (۱۳۷۹). «جایگاه و نقش محیط زیست در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران و مقایسه آن با برنامه‌های قبلی»، فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۵۶-۲۸.
۴. پورهاشمی، سیدعباس (۱۳۹۲). «تحلیل وضعیت حقوق فردی و اجتماعی پناهگاه‌های اقلیمی از منظر حقوق بین‌الملل محیط زیست»، مجله علوم و فناوری محیطی، دوره ۲، شماره ۹، صص ۵۷-۴۳.
۵. پورهاشمی، سیدعباس؛ موسوی، مریم السادات (۱۳۹۰). «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در محیط زیست»، نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفی، دوره ۷، شماره ۱، صص ۹۲-۷۵.
۶. تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۴). حقوق محیط زیست در ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۷. جهانگرد، اسفندیار، محیط زیست و برنامه‌های توسعه در ایران، دوفصلنامه اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۹۷.
۸. حبیبی، محمد حسن (۱۳۸۴). حقوق محیط زیست، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۹. حسین زاده، مجید، درآمدی بر حکمرانی خوب در بخش محیط زیست، گزارش پژوهشی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۸۳۱۳، ۱۴۰۱.
۱۰. حسینی، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۹). «نقش اینترنت در مشارکت عمومی برای حفاظت و مدیریت محیط زیست»، نشریه حقوق اساسی، دوره ۷، شماره ۱۳، صص ۳۴-۱۷.
۱۱. دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و همکاران، بحران‌های زیست‌محیطی جهانی تا ۲۰۳۰ و سناریوهای پیش روی ایران، پژوهشنامه روابط جهانی، دوره ۱، شماره ۳، ۱۴۰۳.
۱۲. رامشت، محمدحسین (۱۳۷۵). کاربرد ژئومورفولوژی در برنامه ریزی ملی - منطقه‌ای و اقتصادی، چاپ اول، اصفهان: انتشارات اصفهان.

۱۳. رضایی، رضا؛ ملکی، افشین؛ صفری، مهدی؛ قوامی، عبدالله (۱۳۸۹). «ارزیابی آلودگی شیمیایی منابع آب زیرزمینی مناطق پایین دست محل دفن زباله شهر سنندج»، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، دوره ۱۵، شماره ۳، صص ۹۸-۸۹.
۱۴. رودریگر، ولغرم (۱۳۸۱). «مسئولیت بین المللی مدنی در قبال خسارات زیست محیطی وسیله‌ای برای اجرای قواعد حقوق بین الملل»، ترجمه و تحقیق نادر ساعد، فصلنامه سازمان حفاظت محیط زیست، دوره ۳۷، شماره ۵، صص ۱۸-۱۶.
۱۵. زرورکی، شهریار، اثر اندازه دولت بر آلاینده‌گی محیط زیست در ایران، تحقیقات مدل سازی اقتصادی، شماره ۲۶، ۱۳۹۸، ص ۲۰۲
۱۶. سلطانمرادی، محمد (۱۴۰۲). «بحران‌های زیست محیطی فراگیرترین چالش قرن»، تهران: خبرگزاری ایرنا.
۱۷. سیمبر، رضا (۱۳۸۳). «حقوق بشر در چهارچوب محیط زیست»، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، دوره ۸۵، شماره‌های ۲۰۲-۲۰۱، صص ۱۱۳-۱۰۲
۱۸. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۷). آراء و نظریات دیوان بین المللی دادگستری، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۹. طالبی، احسان؛ دشتی نژاد، بهرام؛ حسنی ضیاء بری، سید ابراهیم (۱۳۹۵). «مروری بر بحران‌های زیست محیطی و راه‌های مقابله با آن‌ها»، کنفرانس پدافند غیرعامل و توسعه پایدار، تهران: ۶ اسفند ماه.
۲۰. طبیبی، سید جمال الدین؛ ملکی، محمدرضا (۱۳۸۲). برنامه‌ریزی استراتژیک، چاپ اول، تهران: انتشارات مؤلفین.
۲۱. ظاهری، علی رضا (۱۳۸۳). «تحولات قاعده مصونیت دولت (تأثیر قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران و قانون مبارزه با تروریسم ایالات متحده آمریکا)»، نشریه حقوقی بین المللی، دوره ۱۲، شماره ۳۰، صص ۱۷۷-۱۱۹.
۲۲. ظریف، محمدجواد؛ ممتاز، جمشید؛ میرزایی ینگجه، سعید (۱۳۷۵). «ممنوعیت تهدید و استفاده از سلاح‌های هسته‌ای قضیه رأی مشورتی از دیوان بین المللی دادگستری»، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، سال ۱، شماره ۱، صص ۹۵-۱۰۱.
۲۳. فیروزی، مهدی (۱۳۸۴). حقوق بر محیط زیست، چاپ اول، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۲۴. قربانی، داریوش، تأملی بر جایگاه حسابداری سبز در نظام نوین جهانی، مجله مطالعات اقتصاد، مدیریت مالی و حسابداری، دوره سوم، شماره ۱، ۱۳۹۶.

۲۵. کک دین، نگوین؛ پاتریک، دییه؛ آلن، پله (۱۳۸۴). حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه محمدحسن حبیبی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۶. کوروکولاسوریا، لال (۱۳۹۰). مبانی حقوق بین‌الملل محیط زیست، ترجمه سید محمد مهدی حسینی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۲۷. کیس، الکساندر (۱۳۸۴). حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. لسانی، سیدبهباد و همکاران، راهکارهای حفاظت از محیط زیست در فعالیت اقتصادی در ایران، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، شماره ۳، ۱۳۹۹.
۲۹. مخدوم، مجید (۱۳۹۱). زیستن در محیط زیست، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۰. مرادحاصل، نیلوفر، مزینی، امیرحسین، ارزیابی نقش دولت در چالش‌های زیست‌محیطی ایران، (رویکرد اقتصاد محیط زیست)، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره دهم، شماره ۴، ۱۳۸۷.
۳۱. ملک محمدی نوری، حمیدرضا (۱۳۷۴). «ملل متحد و محیط زیست نگاهی به اقدامات و کوشش‌های ملل متحد در حمایت از محیط زیست کره زمین»، مجله سیاست خارجی، دوره ۹، شماره ۳، صص ۳-۲۸.
۳۲. ممتاز، جمشید (۱۳۷۸). «توسل به سلاح هسته‌ای و حمایت از محیط زیست (آورده دیوان بین‌المللی دادگستری)»، ترجمه محمود صوراسرافیل، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۷، شماره ۲۴، صص ۳-۵.
۳۳. موثقی، حسن (۱۳۹۰). دیوان بین‌المللی محیط زیست درکشاگش آرمان و واقعیت، چاپ اول، تبریز: انتشارات فرورزش.
۳۴. موثقی، حسن (۱۳۹۱). حقوق بین‌الملل عمومی، چاپ اول، تبریز: انتشارات خرسندی.
۳۵. موثقی، حسن؛ احمدپور، مظاهر (۱۳۹۱). «بایسته‌های حقوق محیط زیست»، اولین همایش ملی حفاظت و برنامه ریزی محیط زیست، همدان: ۳۱ فروردین ماه.
۳۶. موثقی، حسن (۱۳۹۲). جایگاه تروریسم در همبستگی بین‌المللی، چاپ اول، تبریز: انتشارات آیدین.
۳۷. موسوی، سید فضل‌الله (۱۳۸۵). سیرتحوالات منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

۳۸. موسوی، سیدفضل‌الله (۱۳۹۱). حقوق بین‌الملل محیط زیست، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۳۹. مولایی خواجه، سعید؛ قلی‌پور اقدام، حسن (۱۳۹۱). «حقوق محیط زیست»، اولین همایش ملی و حفاظت و برنامه‌ریزی محیط زیست، همدان: ۳۱ فروردین ماه.
۴۰. نظری، عارف (۱۳۹۷). «آلودگی محیط زیست و عوامل آن»، تهران: پایگاه خبری هندوکش.
۴۱. وفادار، علی (۱۳۸۶). «تعهد و مسئولیت دولت‌ها در رعایت محیط زیست»، نشریه علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۱۰-۱۰۱.
۴۲. یوسفی، محسن (۱۳۸۰). «توسعه پایدار و حفاظت محیط زیست از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه دانشگاه تهران.

لاتین

1. Anthony Chapman, Neil; Hooper, Alan (2012), »The disposal of radioactive wastes underground (Proceedings of the Geologists Association)«, Journal of Geologists Association, Vol.123.No.1.p; 36-48.
2. Barton, J. H (1986). Encyclopedia of Public International Law, 1th ed, Oxford: Oxford University Press.
3. Bodansky, Daniel (2010). The Art and Craft of International Environmental Law, 2th ed, UK: Harvard University Press.
4. Boyle, Alan E (1994). Economic Growth And Protection Of The Environment (In Environmental Regulation And Economic Growth), 3th ed, New York: Oxford University Press.
5. Dmitri, M. (2011). »Environmental Decision making by Multilateral Development Banks, a Theoretical Framework for Assessing their Environmental Performance«, International Journal of Sustainable Society, Vol.3, No.1.p; 320-347.
6. Ferrey, Steven (2001). Environmental Law, 1th ed, New York: Publisher Aspon Law & Business.
7. Kurukulasuriya, Lal; Robinson, Nicholas A (2006). United Nations Environment Programme. Division of Environmental Policy Development and Law, 1th ed, New York Publisher UNEP/Earthprint.
8. Smit, Brian D (2007). state Responsibility and Marine Environment, 3th ed, oxford: Publisher Clarendon Press.
9. Vrba, Jaroslav; Adams, Brian (2008). groundwater early warning monitoring strategy, 2th ed, Paris: Published the United Nations Educational- Scientific and Cultural Organization.
10. Ynas, Mark; Houlton, Benjamin Z; Perry, Simon (2021). »Greater than 99% consensus on human caused climate change in the peer-reviewed scientific literature«, Environmental Research Letters, Vol. 16, No. 11, p:78.